

حماسه ملت ایران نسبت‌های جهانی را به‌سخره گرفته‌است

«جوان» در گزارشی ضمن بررسی قواعد جهانی مشارکت مردم در جنبش‌های عمومی که حتی موجب براندازی حکومت‌ها می‌شود به حماسه مردم ایران در پویش «جان‌فدا» پرداخته‌است

در حالی که باور عمومی این است که برای موفقیت یک انقلاب یا تغییر رژیم، نیاز به حضور اکثریت مطلق مردم در میدان است اما پژوهش‌های بسیاری عدد مشخص و به طرز شگفت‌انگیزی پایین‌تر را نشان می‌دهند. بر اساس مشهورترین تحقیق در این زمینه که از سوی دانشگاه هاروارد انجام شده، مشارکت فعالانه و مستمر تنها ۳/۵درصد از جمعیت یک کشور در اعتراضات مدنی و بدون خشونت، برای موفقیت یک جنبش و ۳/۵درصد معروف شده، حاصل بررسی آماری صدها جنبش مقاومت مدنی خشونت‌پرهمیز و خشونت‌آمیز از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶ میلادی است. یافته‌های کلیدی این تحقیق نشان می‌دهد احتمال موفقیت مبارزات مسالمت‌آمیز دو برابر شورش‌های خشونت‌آمیز است، یعنی ۵۳درصد در مقابل ۲۶درصد.

■ قاعده ۳/۵درصد

منظور از حضور ۳/۵درصد هم مشارکت همزمان در نقطه اوج اعتراضات است، نه مجموع کسانی که در طول زمان در اعتراضات شرکت کرده‌اند. این عدد نشان‌دهنده یک توده بحرانی است که با حضور خود، مشروعیت حکومت را زیر سؤال برده و پیوستن بخش‌های دیگر جامعه، از جمله نیروهای امنیتی و نخبگان سیاسی را به صف معترضان تسهیل می‌کند. البته با وجود جذابیت این عدد، خود پروفیسور جنووت و سایر محققان تأکید دارند که این یک قاعده سرانگشتی و یک روند تاریخی است و یک فرمول یا تضمین قطعی برای موفقیت محسوب نمی‌شود و مهم‌ترین نکته این است که اکثر جنبش‌های موفق در طول تاریخ، حتی بدون رسیدن به آستانه ۳/۵درصد هم به موفقیت دست یافته‌اند. برخی از جنبش‌ها یا انقلاب‌های رنگی که با این مدل همخوانی دارند شامل انقلاب رنگی گل سرخ گرجستان ۲۰۰۳، جنبش قدرت مردم فیلیپین ۱۹۸۶، انقلاب مخملی در چکسلواکی یا اعتراضات ۲۰۱۹-۲۰۲۲ سودان هستند.

مشارکت ۳/۵درصدی برای کشور ما که قریب به نیم قرن پیش انقلاب اسلامی را تجربه کرده طی سال‌های گذشته تلاش‌های بسیار دشمنان خارجی برای پیاده‌سازی الگوی انقلاب‌های رنگی را نیز پشت‌سر گذاشته است، نکتات جالب توجهی دارد. از یک طرف حضور همه‌جانبه و میلیونی مردم پیش از انقلاب موجب شد با وجود کشتار، شکنجه و سرکوب گسترده اعتراضات مسالمت‌آمیز ملت طی سال‌ها و در شهرهای مختلف نهایتاً حکومت شاهنشاهی در سال ۱۳۵۷ سقوط کند. از سوی دیگر اما کشور بعد از انقلاب نیز اغتشاشات بسیاری را تجربه کرده‌است؛ از اغتشاشات سال ۱۳۷۸ تا فتنه ۱۳۸۸ و شورش‌های سال‌های ۱۳۹۸، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ همگی الگوی یکسانی داشته‌اند؛ اعتراضات صحنی با معیشتی با حضور گروه‌هایی از جامعه آغاز و در نهایت با سواستفاده گروه‌های شناخته‌شده به خشونت کشیده می‌شد، این گروه‌ها وقتی می‌دیدند نتوانستند حداقل‌های حضور ۳/۵درصدی مردم برای سرنگونی نظام مستبد جمهوری اسلامی را همراه خود کنند نه تنها مسیر مطالبات مسالمت‌آمیز را منحرف بلکه آرام‌آرام عملاً فضا برای شورش‌های مسلحانه نیز آماده می‌کردند.

■ شورش‌های مسلحانه بدون قاعده

دشمنان ایران اسلامی که طی دهه‌های گذشته وقتی دیدند نتوانستند الگوی حضور ۳/۵درصدی یا حتی کمتر از آن، مردم را به شکل مسالمت‌آمیز به خیابان بکشند، در چند سال تلاش کردند با روش‌های خشونت‌آمیز به اهداف خود برسند و امروز هم هیچ ابایی ندارند که بگویند سلاح و مهمات برای شورشیان در ایران ارسال کرده‌اند تا در این میان اما مسئله قابل توجه این است که برای شورش‌های مسلحانه، برخلاف انقلاب‌های بدون خشونت، هیچ آستانه جادویی و واحد، مثل قاعده ۳/۵درصد وجود ندارد. در واقع، پژوهش‌های اصلی در این حوزه نشان می‌دهند تعداد بسیار کمی از شورش‌های مسلحانه اصلاً به مرحله‌ای می‌رسند که بتوان یک‌صد مشخص برای موفقیت‌شان تعیین کرد. محققان می‌گویند یکی از دلایلی که موجب شده است ۵۳درصد از کارزارهای بدون خشونت موفق شوند، در حالی که این رقم برای



شورش‌های مسلحانه تنها ۲۶درصد است، موضوع جذب مشارکت بیشتر است. جنبش‌های بدون خشونت به طور متوسط چهار برابر بیشتر از شورش‌های مسلحانه مشارکت‌کننده گردند و از ۲۵ جنبش بزرگ تاریخ، ۲۰ مورد بدون خشونت بودند. نکته بسیار مهم این است که هیچ‌یک از کارزارهای مسلحانه در این مطالعه نتوانستند حتی به آستانه ۳/۵درصد مشارکت فعال برسند. این نشان موضوع می‌دهد موانع ورود به یک قاعده مسلحانه مانند نیاز به آموزش، سلاح و پذیرش ریسک بالای جانی به قدری بالاست که عملاً امکان بسیج توده‌ای به سبک اعتراضات مدنی را از آن سلب می‌کند.

با وجود همه اینها شاید بتوان قاعده حداقلی برای موفقیت شورش‌های چریکی ۱۰ تا ۲۰درصد است و در زمینه جنگ‌های نامنظم (چریکی)، تخمین عمومی این است که یک گروه شورشی برای آنکه پایگاه اجتماعی خود را حفظ کند و پیروزی‌های دولتی علیه خود را موقتی سازد، نیازمند حمایت فعال حدود ۱۰ تا ۲۰درصد از جمعیت منطقه تحت نفوذ خود است. البته میزان مشارکت در انقلاب‌های مسلحانه بزرگ تاریخی اعداد متفاوتی را نشان می‌دهد. برای مثال، تخمین زده می‌شود که در جریان انقلاب فرانسه، حدود ۸درصد از جمعیت درگیر مقاومت بوده‌اند. در هر صورت این ارقام نشان می‌دهند، به‌ویژه قاعده ۱۰ تا ۲۰درصد نیز از نظر علمی به اندازه پژوهش‌های غیرمسلحانه استحکام ندارند و بیشتر قواعد سرانگشتی هستند، اما وجه مشترک همه آنها این است که عدد مورد نیاز برای یک قیام مسلحانه موفق، به‌طور قابل توجهی بزرگ‌تر از آستانه ۳/۵درصدی جنبش‌های مدنی است. البته یک گروه شبه‌نظامی و ضددولتی راستگرا به نام جنبش ۳درصدی نیز در آمریکا وجود دارد که نام خود را بر اساس این ادعا انتخاب کرده است که تنها ۳درصد از جمعیت مستعمرات آمریکا در طول جنگ انقلاب مسلحانه آمریکا به شرکت در جنبش‌های مسلحانه پرداخته‌اند. این گروه با استفاده از این روایت، خود را به عنوان میهن‌پرستان و ادامه‌دهندگان راه اقلیت قهرمان معرفی می‌کند اما این ادعا نیز یک افسانه تاریخی کاملاً رد شده و بر اساس تحقیقات تاریخی معتبر، میزان مشارکت در انقلاب آمریکا بسیار کمتر بوده است و تخمین‌ها نشان می‌دهد حدود ۱۵ تا ۲۵درصد از جمعیت مستعمرات در طول جنگ به‌نجوی در فعالیت‌های مرتبط با آن از جمله خدمت در ارتش قاره‌ای، شبه‌نظامیان ایالتی و نیروی دریایی مشارکت داشتند و در مجموع هیچ عدد جادویی برای موفقیت یک شورش مسلحانه وجود ندارد و برخلاف اعتراضات مدنی که در آن مشارکت توده‌ای

حتی یک اقلیت کوچک اما فعال ۳/۵درصدی می‌تواند به فروریازی حکومت بینجامد، موفقیت در شورش مسلحانه تابع معادله‌ای بسیار پیچیده‌تر از صرفاً تعداد نفرات است و تاریخ نشان می‌دهد احتمال موفقیت این مسیر حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت‌ها، بسیار کمتر از راهکارهای بدون خشونت است.

■ نظامیان و جمعیت

در حالی حضور ۳/۵درصد از جمعیت برای پیروزی یک قیام غیرمسلحانه ۱۰ تا ۲۰درصد از مردم در یک شورش مسلحانه مورد نیاز است که میزان نظامیان کشورها هیچ نسبتی با این درصدها ندارد. درصد نظامیان یک کشور نسبت به کل جمعیت، بسته به عوامل مختلفی مانند ساختار دفاعی و شرایط امنیتی، می‌تواند متفاوت باشد. بر اساس آمارهای بین‌المللی، سهم نیروهای نظامی (فعال) از کل جمعیت جهان به‌طور میانگین حدود ۲/۷درصد تا ۰/۴درصد است. البته این یک میانگین جهانی است و در کشورهای مختلف، این نسبت می‌تواند از کمتر از ۰/۱درصد در کشورهای کوچک بدون ارتش تا بیش از ۵درصد در کشورهای مانند کره شمالی متغیر باشد. همچنین برای مقایسه دقیق‌تر، باید میان نیروهای فعال و نیروهای ذخیره و شبه‌نظامی تفاوت قائل شد. درصدهای زیر عمدتاً بر اساس نیروهای فعال محاسبه شده‌اند.

در مورد ایران اطلاعات نیروهای مسلح بسیار توجه به ساختار دوگانه ارتش و سپاه و وجود نیروهای داوطلب مردمی، پیچیدگی خاص خود را دارد، ولی بر اساس داده‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ مدعی هستند نیروهای فعال حدود ۱۰هزار نفر و نیروهای ذخیره حدود ۲۵۰هزار نفر است. در مورد تعداد نیروهای فعال بسیج البته اطلاعات بین‌المللی بسیار محدودتر است. اما منابع مختلف بین‌المللی تعداد کل آنها را تا حدود ۲۲۰هزار نفر نیز تخمین می‌زنند. در شرایطی که جمعیت کل ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۲/۴میلیون



در حالی حضور ۳/۵درصد از جمعیت برای پیروزی یک قیام غیرمسلحانه ۱۰ تا ۲۰درصد از مردم در یک شورش مسلحانه مورد نیاز است که میزان نظامیان کشورها هیچ نسبتی با این درصدها ندارد. درصد نظامیان یک کشور نسبت به کل جمعیت، بسته به عوامل مختلفی مانند ساختار دفاعی و شرایط امنیتی، می‌تواند متفاوت باشد. بر اساس آمارهای بین‌المللی، سهم نیروهای نظامی (فعال) از کل جمعیت جهان به‌طور میانگین حدود ۲/۷درصد تا ۰/۴درصد است. البته این یک میانگین جهانی است و در کشورهای مختلف، این نسبت می‌تواند از کمتر از ۰/۱درصد در کشورهای کوچک بدون ارتش تا بیش از ۵درصد در کشورهای مانند کره شمالی متغیر باشد. همچنین برای مقایسه دقیق‌تر، باید میان نیروهای فعال و نیروهای ذخیره و شبه‌نظامی تفاوت قائل شد. درصدهای زیر عمدتاً بر اساس نیروهای فعال محاسبه شده‌اند.

در مورد ایران اطلاعات نیروهای مسلح بسیار توجه به ساختار دوگانه ارتش و سپاه و وجود نیروهای داوطلب مردمی، پیچیدگی خاص خود را دارد، ولی بر اساس داده‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ مدعی هستند نیروهای فعال حدود ۱۰هزار نفر و نیروهای ذخیره حدود ۲۵۰هزار نفر است. در مورد تعداد نیروهای فعال بسیج البته اطلاعات بین‌المللی بسیار محدودتر است. اما منابع مختلف بین‌المللی تعداد کل آنها را تا حدود ۲۲۰هزار نفر نیز تخمین می‌زنند. در شرایطی که جمعیت کل ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۲/۴میلیون



جمعیت کل ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۲/۴میلیون

۶۶

پویش جان‌فدا که اعلام آمادگی مردم ایران برای نقش‌آفرینی مؤثر در مقابله با دشمنان امریکایی-صهیونیستی و دفاع از ایران اسلامی است و از هفته دوم فروردین ماه سال ۱۴۰۵ شروع شده اکنون بیش از ۳۰درصد مردم ایران را شامل شده است. هرچند هر لحظه به تعداد افراد مشارکت‌کننده در این جنبش افزوده می‌شود اما این آمار بیش از ۳۰درصد نیز نشان‌دهنده اراده تمام ملت ایران نیست بلکه این رقم تنها ایرانیان بالای ۱۲سالگی را نشان می‌دهد که اعلام کرده‌اند آماده‌اند اسلحه به دست بگیرند تا جان خود را فدا کنند ولی این کشور از گزند بیگانگان در امان بماند. در میان این افراد نه تنها وفاداران بی‌شمار جمهوری اسلامی ایران بلکه هر وطن‌پرستی که به کشور علاقه دارد نیز حضور دارد. بزرگی این عدد وقتی مشخص می‌شود که یادآوری کنیم سهم نیروهای نظامی فعال از کل جمعیت جهان به‌طور میانگین حدود ۲/۷درصد است، ۰/۴درصد است که برخی همانطور که در این سرزمین یا حتی در میان فارسی‌زبانان خارج از کشور صحبت از همراهی با دشمن در بمباران ایران کند.

در شرایطی که ایرانیان برای حفاظت از نیروگاه و پل‌های خود دور آنها حلقه می‌زنند، دیگر مسئله این نیست که آیا دشمن خواهد توانست ۳/۵درصد جامعه ایران را برای سرنگونی نظام به میدان بیاورد یا خیر بلکه مسئله این است که چندمیلیون نفر دیگر از ایرانیان حاضر هستند جان خود را فدا کنند تا آسیبی به این سرزمین اهورایی وارد شود. اگر ناو هواپیمابر امریکایی که روزی از نزدیکی هر کشوری رد می‌شد ملت آن تسلیم می‌شدند، جرئت نمی‌کند به آب‌های ایران عزیز نزدیک شود، به دلیل قاره‌ای بودن خود از این کشور دفاع کنند و جای تعجب ندارد که بعد از چنین شکست خیاباری برای آمریکا و اسرائیل، رئیس‌جمهور بلاروس در مورد جنگ در ایران بگوید که «این جنگ و چیز را به ما نشان داد؛ اول اینکه ایالات متحده به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت قدرتمند نیست. دوم اینکه مردم در جهان اسلام حاضرند جان خود را فدا کنند مخالف ما» اکنون او نیز به خوبی فهمیده است که مسلمانان ایرانی با همه تفاوت‌ها دارند، آنها حاضر هستند بسیار فراتر از هر نسبتی که تا به حال در دنیا وجود داشته است جان خود را فدا کنند و همیشه دشمنان‌شان را در هم بشکنند.

نفر تخمین زده شده درصدهای نظامی فعال (۱۰۰ × ۹۲,۴۰۰,۰۰۰ / ۶۱۰,۰۰۰) حدود ۰/۶۶درصد جمعیت است و درصد کل نیروهای فعال به علاوه ذخیره (۱۰۰ × ۹۲,۴۰۰,۰۰۰ / ۹۶۰,۰۰۰) حدود ۱/۰۴ جمعیت زده می‌شود.

از سوی دیگر ایالات متحده هر چند بیشترین بودجه نظامی جهان به مبلغ ۹۰۱میلیارد دلار را داراست و قرار است این بودجه به ۱/۵تریلیون دلار بالغ شود اما نسبت نیروهای نظامی آن به کل جمعیت، معمولی یا حتی پایین محسوب می‌شود. بر اساس آمارهای سال ۲۰۲۵ نیروهای فعال حدود ۱/۳۲میلیون نفر، نیروهای ذخیره و گارد ملی حدود ۱/۰۴میلیون نفر و جمعیت کل آمریکا در سال ۲۰۲۵ حدود ۳۴۱/۸میلیون نفر تخمین زده شده است. بر این اساس درصد نیروهای فعال (۱۰۰ × ۳۴۱,۸۰۰,۰۰۰ / ۱,۳۲۰,۰۰۰) حدود ۰/۳۹درصد جمعیت و درصد کل نیروها فعال به علاوه ذخیره (۱۰۰ × ۳۴۱,۸۰۰,۰۰۰ / ۲,۳۶۰,۰۰۰) حدود ۰/۶۹درصد جمعیت محسوب می‌شود. با توجه به اعداد بالا مشخص است که نسبت نیروهای نظامی فعال چه در ایران ۰/۶۶درصد و چه در آمریکا ۰/۳۹درصد کل جمعیت است و حتی در صورت بسیج کامل نیروهای ذخیره، به ندرت از یک‌درصد کل جمعیت فراتر می‌رود. این ارقام در کنگا قاعده ۳/۵درصد این نکته را آشکار می‌کند که نیروهای نظامی به تنهایی از نظر تعداد، در برابر یک جنبش مدنی گسترده که از آستانه ۳/۵درصد عبور کند، در اقلیت محض قرار دارند، هر چند موفقیت این جنبش به عوامل متعددی فراتر از تعداد صرفاً افراد از جمله انسجام فردی، وفاداری و روحیه نیروهای مسلح نیز بستگی دارد.

برای مثال تحقیقات استاد دانشگاه هاروارد نشان می‌دهد در بسیاری از انقلاب‌های موفق، تغییر موضع و پیوستن بخش‌هایی از نیروهای نظامی به صف معترضان، یک عامل تعیین‌کننده بوده است، بنابراین درصد اندک نیروهای مسلح در مقایسه با کل جمعیت، مخصوصاً در شورش‌های مسلحانه نشان‌دهنده وفاداری و انسجام این نیروهاست و این بسیار مهم‌تر از تعداد آنهاست.

■ قواعد شرح می‌دهند

نکاتی که قواعد بالا بیان کردند می‌تواند چند واقعیت را به خوبی نشان دهد، واقعیت اول این است که به رغم تلاش‌های رسانه‌ای دشمنان جمهوری اسلامی ایران طی نزدیک به چند دهه اخیر حتی آنها نتوانستند به حداقل حمایت ۳/۵درصدی مورد نظر برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران از طریق انقلاب‌های مخملی برسند، آشکارترین نماد این عدم موفقیت حرکت از جنبش‌های اجتماعی نسبتاً مسالمت‌آمیز به سمت شورش و ترغیب و آموزش هواداران و فریب‌خوردگان خود برای مسلح شدن و حمله به نیروهای نظامی و انتظامی است. در دور آخر این حملات حتی به ماکن مذهبی و امامزاده‌ها که تابو و جزوه مکان‌های مقدس ایرانیان محسوب می‌شود نیز کشیده شد، البته مشخصی است که دشمن وقتی از جذب حداقل ۳/۵درصد مردم ناامید شده بود، انتظار نداشت بتواند با حملات مسلحانه به نیروهای امنیتی و اماکن مقدس ایرانیان جمعیت بیشتری را جذب کند. آن‌هم در حالی که همانطور که گفته شد قواعد حداقلی نشان می‌دهد برای پیروزی در جنگ مسلحانه درصد مشارکت‌کننده‌ها باید حداقل به ۱۰ تا ۲۰درصد مردم بالغ شود. در این شرایط

روزهای جان‌فدا

پویش ملی جان‌فدا برای ایران یک خیزش مردمی خودجوش بود که در فروردین‌ماه ۱۴۰۵ شکل گرفت و در مدت کوتاهی به یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخ معاصر ایران تبدیل شد. این پویش که در واکنش به جنگ امریکایی-صهیونیستی علیه ایران و به درخواست اقشار مختلف مردم برای اعلام آمادگی در دفاع از کشور آغاز شد، امروز تبدیل به اثری حماسی و بی‌نظیر شده است. اواسط فروردین‌ماه ۱۴۰۵ بود که با افزایش تنش‌ها و تهدیدهای نظامی دشمنان علیه ایران، خواست عمومی و مطالبه مردمی برای دفاع از کشور شکل گرفت. در پاسخ به این مطالبه، پویشی تحت عنوان جان‌فدا برای ایران راه‌اندازی شد. این پویش که عملاً به خواست هم‌ان مردمی شکل گرفت که شب‌ها در خیابان‌ها و میدانی آمادگی خود برای دفاع از کشور را فریاد می‌زدند، در ابتدا یک فراخوان ساده بود ولی به سرعت به یک خیزش عظیم و فراتر از انتظار تبدیل شد.

هدف اصلی و محوری پویش جان‌فدا برای ایران بسیار روشن بود؛ اعلام آمادگی مردمی یعنی فراهم کردن بستری برای ثبت‌نام و سازماندهی داوطلبانی که آمادگی خود را برای هرگونه نقش‌آفرینی مؤثر در مقابله با تهدیدات دشمنان به‌ویژه آمریکا

پیمای از این حرکت مردمی قدردانی داشتند که پس از این قدردانی، استقبال از پویش با شتاب بیشتری روبه‌رو شد. رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه نیز در پیام‌هایی از شکل‌گیری این کارزار قدرتمند ملی و اعلام آمادگی میلیون‌ها ایرانی برای دفاع از کشور استقبال و اعلام کردند آنها نیز در این پویش ثبت‌نام کرده‌اند. اکنون پویش جان‌فدا برای ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و سریع‌ترین خیزش‌های مردمی تاریخ ایران ارزیابی می‌شود که از یک فراخوان ساده آغاز و در کمتر از یک ماه به یک ارتش از ۲۹میلیون تبدیل شده است.



پیمای از این حرکت مردمی قدردانی داشتند که پس از این قدردانی، استقبال از پویش با شتاب بیشتری روبه‌رو شد.

اطلاع‌رسانی Janfada.ir مراحل ثبت‌نام را انجام دهند. روش دیگر ثبت‌نام از طریق پیامک است و افراد با ارسال عدد ۱ به شماره ۳۰۰۱۱۵۵ می‌توانند در این پویش ثبت‌نام کنند و البته برای ثبت‌نام ایرانیان خارج از کشور نیز سامانه‌ای به آدرس Janfada.ir راه‌اندازی شد و در کنار این آنها می‌توانستند برای ثبت‌نام حضوری به دفاتر نمایندگی‌های فرهنگی ایران در کشورهای مختلف مراجعه داشته باشند. با استقبال بی‌نظیر مردم از این پویش شخصیت‌ها و نهادهای عالی کشور نیز ضمن پیوستن به آن از آن حمایت کردند و حتی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در

تعداد جوانان آماده رزم داشته باشند و پشتیبانش داوودن باشد، هیچ قدرتی توان شکست آن ملت و کشور را نخواهد داشت و این همان وعده‌ای بود که در ۲۲ فروردین سال ۱۴۰۵ تحقق پیدا کرد و ارتش جان‌فدایان ایران اسلامی از ۲۰میلیون نفر فراتر رفت اما حتی این هم پایان ماجرا نبود و در ۲۳ فروردین مشارکت به بیش از ۲۲میلیون و دو روز بعد از آن یعنی ۵ فروردین آمار به بیش از ۲۵میلیون نفر بالغ شد. این آمار در روز ۲۷ فروردین به ۲۶میلیون و ۱هزار نفر رسید و تا اول اردیبهشت ماه به ۲۹میلیون نفر بالغ شده است.

آرام آرام با فراگیر شدن این پویش ایرانیان خارج از کشور که احساس می‌کردند در این حماسه همگانی برای اعلام آمادگی جان‌فدا کردن وطن و وطن‌باز مانده‌اند، در خواست‌های بسیاری را برای باز شدن امکان ثبت‌نام خود در این پویش آغاز کردند تا بالاخره مسئولان این پویش راهکاری نیز برای ثبت‌نام آنها اندیشیدند؛ اکنون برای شرکت در این پویش، راه‌های مختلفی پیش‌بینی شده است تا همه اقشار جامعه بتوانند در آن اعلام آمادگی کنند. راه اول ثبت‌نام اینترنتی از طریق وبسایت اختصاصی است که داوطلبان می‌توانند با مراجعه به پایگاه